

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان  
سال هفتم شماره بیست و چهارم، پاییز ۱۳۹۴ (صص ۱۶۰-۱۴۱)

## بررسی عوامل تأثیرگذار در طراحی ایکات هند

دکتر عباس نامجو\*\*

مآنده السادات موسویان حجازی\*

### چکیده

ایکات نوعی تکنیک و پارچه ای است که نقوش آن با گره زدن و بستن بخش هایی از تار و یا پود و باز کردن آن ها پس از رنگرزی ایجاد می شود. امروزه ساخت ایکات در هند شاید به رونق گذشته نباشد، ولی کاربرد، طرح، رنگ، تفاوت ها، جنس، چگونگی، مراکز تهیه و عوامل آفرینش و باورهای نهفته در این پارچه های زیبا از مواردیست که همواره به ذهن خطور می کند. روش این تحقیق توصیفی و تحلیلی است. شیوه ی جمع آوری اطلاعات بر اساس مطالعات کتابخانه ای و پژوهش های میدانی و ابزار گردآوری داده ها شامل مقاله، کتاب، پایان نامه، کتب الکترونیکی و عکس است. با توجه به فرضیه ی وجود ارتباط میان انواع ایکات با کاربرد تزیین و پوشش، هم چنین تکنیک، تشابه و تفاوت جزئی آن ها به خاطر محل تولید و افکار بافندگان که باعث اثرپذیری مناطق از یکدیگر است، هدف مقاله نظام دهی و بررسی دقیق انواع ایکات هندی برای حصول نتایج جامع کاربردی، شناخت پارچه ها و حفظ تکنیک هاست. بنابراین به این نتیجه می رسیم که پارچه های هند با وجود تشابه، تکنیک خاص ایجاد نقش دارند، مثلاً باندا س اوریسنا با روش گره زنی منقوش می گردد. برخی انواع دیگر نیز از لحاظ طرح، رنگ و نوع نخ شباهت دارند که کاربرد نخ زر در باندا س یا گول بدن از آن جمله است. این پارچه ها معمولاً برای تهیه ی ساری به کار می روند که در مراسم نیایش استفاده شده و نقش مایه های ساده ای دارند که حاصل در هم رفتن رنگ هاست.

**کلید واژه ها:** ایکات، تار و پود، طرح و رنگ، گره، هند

---

\* کارشناس ارشد طراحی پارچه و لباس دانشگاه علم و فرهنگ تهران Email: m.mousavian@usc.ac.ir

\*\* استادیار پژوهش هنردانشگاه علم و فرهنگ تهران Email: namjoo@usc.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۴/۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۱/۲۹

## ۱- مقدمه

هند میراث فرهنگی غنی از بافندگی دستی و روش رنگرزی مشهور و جهانی از پارچه های دست به نام "ایکات" باف دارد. (Mohapatra, 2014; 130) کلمه ی ایکات (IKAT) از یک کلمه ی مالایی (Malay) به معنای بستن یا دور پیچاندن (To Bind or Wind Around) گرفته شده است. (Dame, 2010, <http://poshsurfside.com>) هم چنین واژه ی ایکات از کلمه ی اندونزیایی منجیکات (Mengikat) به معنای گره زدن (To tie) و متصل کردن (To bind off) منتج شده (Rodgers & Cumella, 2011; 4) و قدیمی ترین الگوی پارچه ی شناخته شده ایکات است. (Dame, 2010, <http://poshsurfside.com>) پنج دوره ی تاریخی، توسعه ی ایکات را در جهان نشان می دهد و گویای گسترش آن از نواحی جنوب شرقی آسیا به سمت غرب است: (Yulo, 2015; 5)

- پیش آسترونزیایی (Proto Austronesian) (وابسته به جزایر جنوب شرقی آسیا)
- دوره ی دانگ سان (جنوب شرقی آسیا)
- دوره ی هندی (هند)
- دوره ی مسلمان (خاورمیانه)
- دوره ی مستعمراتی (اروپا) (Ibid)

مراکز تهیه ی ایکات جهان در قرن شانزدهم میلادی شامل شرق جاوا (Java)، مادورا (Madura)، سامباوا (Sumbawa) و بالی (Bali) بود. (Yulo, 2015; 7) این پارچه در فرهنگ های متعددی چون: ژاپن، اندونزی، مالزی، گواتمالا، ترکیه و هند ظهور کرد و در ردهای باشکوه رهبران قبایل و نیز در فضاهای مختلف به عنوان دیوار کوب به کار رفت و اسب های پیشکش با ایکات آراسته می شد. (Dame, 2010, <http://poshsurfside.com>) ماداگاسکار نیز دارای انواع مختلف محصولات نساجی، تکنیک های ایکات و پالتی گسترده از رنگ هاست. (Gervase Clarence-Smith, 2012; 16) ایکات این کشور در گذشته در مراسم خاک سپاری استفاده می شد. (Yulo, 2015; 7) طبق اسناد، ایکات بزرگ ترین هدیه و حتی ارزشمندتر از زندگی عالی ترین برده ها بوده است که توسط مسافران تاجر و اروپاییان به غرب برده شد. غربیان بیش تر به شکل طراحی پارچه های پُرکار ژاپنی، هنرهای دستی جنوب آمریکا، ردهای زیبای ایکات و دیوارکوب های آسیای مرکزی آن را دیده اند. (Dame, 2010, <http://poshsurfside.com>) هنر ایکات هند بر دیواره های غار آجاتا (Ajanta) مستند شده

است (Saunders, 2012; 12) و الگوهای ایکات در جامه هایی که در نقاشی های غار وجود دارند، آمده که مربوط به قرن ۷-۵ میلادی است. (Yulo, 2015; 24) رنگرزی نخ پیش از بافت (ایکات) نیز حداقل به قرن دهم میلادی برمی گردد. (Gervase Clarence-Smith, 2012; 3) بخشی از پارچه های هند از کشورهایی چون اندونزی شرقی به دست آمده اند. (Quiquemelle, 2007; 15) قسمتی نیز از آسیای مرکزی و مصر سردآورده اند. (Dhingra, 2009; 2) در هند گورکانی، بافت بسیاری پارچه ها به ویژه طرح و رنگ، متأثر از بافته های ایران بود. (طالب پور، ۱۳۹۰؛ ۱۷ و ۱۸) اندونزی شرقی و جزایر اندونزی چون سامبا (Sumba) و فلورز (Flores)، از نقاطی هستند که امروزه ایکات در آن ها کار می شود. (Rodgers & Cumella, 2011; 16) بافندگان اندونزیایی تحصیلات عالی ندارند، اما میراث دار ارزش ها و مهارت های موروثی هستند و لذا کیفیت محصول تضمین شده است. (E. Jay, 2012; 8) هند علاوه بر این پارچه ها به دلیل کشت پنبه، در تولید پارچه هایی که با کلیشه های چوبی چاپ می شوند نیز قابل توجه است (Bryan Souza, 2006; 14). در هند تقریباً ۵۰۰ گونه گیاه برای رنگرزی شناخته شده است (Dhingra, 2009; 3). پیشگامان هند آموختند که با الگوهای پیچیده و با کاربرد واکس یا رزینی مقاوم و طی مراحل استادانه ی رنگرزی، قسمت هایی از پارچه را در برابر رنگ شدن محافظت کنند (G. Sweet, 2012; 2). فرآیند رنگرزی باستانی رونس و نیل در هند، به سال ها پیش بازمی گردد؛ مثلاً نیل رنگ سایه های آبی و آهن سیاه ایجاد می کرد (Dhingra, 2009; 2).

شروع رنگرزی در ایکات معمولاً از روشن ترین رنگ و حرکت به سمت رنگ های تیره تر با خاصیت پخش شدن نقوش در یکدیگر می باشد. ولی خود ایکات در سه نوع بافته می شود که به نام های ایکات تاری (Warp Ikat)، ایکات پودی (Weft Ikat) و ایکات دوگانه (ایکات مضاعف: Double Ikat) معروفند. در ایکات تاری، نخ های تار در محل های مناسبی مطابق نقشه ی مورد نظر با نخ غیر قابل نفوذی محکم گره زده می شوند و در حمام رنگ قرار می گیرند تا قسمت های بسته شده در زمان رنگرزی بدون رنگ باقی بماند (طالب پور، ۱۳۹۱؛ ۹۷ و ۹۶). این تکنیک در آسیای جنوب شرقی رایج، اما در شرق آفریقا ناشناخته بود (Gervase Clarence-Smith, 2005; 11) ایکات تاری نیز اولین بافت ایکات می باشد (Yulo, 2015; 9). قدیمی ترین پارچه ی ایکات جنوب شرقی آسیا در جزیره ی بانتون (Banton Island) یافت شده است (Ibid; 15). در ایکات پودی، نخ های پود روی قاب مستطیل شکلی پیچیده می شوند تا نخ هایی

که باید نقش خاص ایجاد کنند، روی این قاب دسته بندی شده، سپس با نخ غیر قابل نفوذی گره زده شوند. در ایکات دوگانه، رنگرزی نخ های تار و پود با روش گره زنی انجام می شود که بسیار پیچیده بوده و نیاز به وقت و کارگر زیاد دارد. در این روش، ابتدا نخ های تار رنگ شده، آن گاه روی دستگاه قرار می گیرند و نخ های پود روی ماسوره ها پیچیده می شوند و به دنبال آن پارچه با طرح ساده بافته خواهد شد (طالب پور، ۱۳۹۱؛ ۹۷ و ۹۶). این نوع ایکات امروزه در اندونزی تهیه می شود (Rodgers & Cumella, 2011; 3). نرمی ایکات بستگی به این دارد که تارها برای گره زدن چگونه دسته بندی شده باشد. در ایکات های معمولی ۱۵-۱۰ تار در یک دسته قرار دارد، اما در بهترین بافت، ترکیب ۳ تار یک دسته را می سازد (Swannack-Nunn, 2002; 1). این پارچه ی زیبا در ایران با نام دارایی شناخته می شود و تولید آن در یزد بوده است. دارایی پارچه ای دستباف است که با کارگاهی ساده و با درهم تنیدن تار و پودهای رنگی از جنس نخ و ابریشم شکل می گیرد. دارایی روزگاری برای روتختی، رومیزی و غیره استفاده می شد، اما با ورود پارچه های الوان داخلی و خارجی به بازار، دارایی بافی کم کم به کنج عزلت رانده شد. رمضان رضایی، پیرمرد ۱۰۰ ساله، تنها هنرمند اصیل این هنر در یزد است (شفیعی پور، ۱۳۹۱؛ ۴). موتیف های فریبنده و طراحي ممتاز پارچه های هند، نه تنها نقش مهمی در حفظ میراث و فرهنگ این کشور دارد، بلکه در اقتصاد آن نیز سهمیم است و نمونه ی آن ساری ایکات می باشد (Mohapatra, 2014; 130 & 131).

این پارچه های رنگین هر بیننده ای را به این فکر می اندازد که کاربرد و مراکز تهیه ی آن ها کجاست یا تفاوت ها و این طرح و رنگ های مسحورکننده با وجود تشابه تکنیکی یا ظاهری چگونه پدید می آیند. پارچه های نفیس تهیه شده در هند، تکنیک خاص ایجاد نقش دارند، مثل طرح خال دار بانداس که نوعی پارچه با تکنیک ایکات است که پس از گره زنی و رنگرزی، به طرح های دایره ای و نقطه ای منقوش می گردد. کاربرد این پارچه چون برخی دیگر معمولاً ساری و شباهت آن با گول بدن (ایکاتی با زمینه ی مخلوط از پنبه و ابریشم و منقوش با نخ گلابتون به عنوان پود دوم) در جنس است که در هر دو نخ زر به کار می رود. هم چنین تأثیر پذیرفتن ایکات پوچامپالی (نام شهری در هندوستان) از پاتولا (ساری ابریشمین)، نشان گر اثرپذیری طرح و رنگ این پارچه ها از یکدیگر می باشد. باورهای بافندگان و مراکز تولید از مهم ترین عوامل در شباهت و تفاوت های ایکات مناطق گوناگون است که چون ایکات لائو (نام کشوری در جنوب شرق آسیا با ایکات متأثر از افسانه، فرهنگ و مراسم آیینی لائوس) بر طرح ها اثر گذاشته است.

## ۲- سؤالات تحقیق

این پژوهش، به دنبال پاسخگویی به این سؤالات است:

۱- ایکات چه کاربردهایی می تواند داشته باشد و چگونه به چنین طرح و نقش هایی آراسته

می شود؟

۲- انواع آن چه تفاوت هایی با یکدیگر دارند و چنین پارچه ای در چه مناطقی و چگونه تولید

می گردد؟

۳- چه عواملی باعث ایجاد شباهت و تفاوت ظاهری ایکات است؟

در پاسخ به سؤالات، این فرض مطرح می گردد که ایکات برای تزیین و پوشش به کار رفته و به طور کلی میان انواع آن ارتباطاتی وجود دارد. تکنیک اصولی در پارچه های هندی ایکات تا حدودی مشابه است و تفاوت آن ها در جزئیات می باشد که جغرافیا و محل تولید، باعث متفاوت شدن ایکات به دلیل تفاوت در کاربرد و نیز بروز آگاهانه یا ناخودآگاه عقاید و افکار بافندگان در طرح پارچه ها شده است. چنین امری باعث اثرپذیری ایکات یک منطقه از ناحیه ی دیگر می گردد. هم چنین به نظر می رسد عوامل دیگری چون تکنیک رنگرزی، بر ظاهر نهایی ایکات و طرح و رنگش اثری قابل توجه دارد.

به همین خاطر، سازمان دهی و بررسی دقیق انواع ایکات هند با به دست آوردن نتایج جامع کاربردی و دسته بندی نظام مند، به همراه شناخت بنیادین پارچه ها، مطالعه ی مجزای تکنیک ها و باورهای نهفته ی فرهنگ هندی، ویژگی ها و تأثیرپذیری هر یک از انواع، اهمیت و ضرورت شناخت، حفظ و کاربرد این تکنیک ها از موضوعات محوری و اهداف این مطالعه است.

## ۳- روش تحقیق

در این تحقیق، از روش توصیفی-تحلیلی و تاریخی با مطالعات کتابخانه ای و اسنادی استفاده شده است. ابزار تحقیق شامل منابع مکتوب مقاله، کتاب و پایان نامه و ابزار تصویری شامل عکس و نیز اسناد و کتب الکترونیکی می باشد. هم چنین جامعه ی آماری شامل قلمروی نواحی هندوستان است. با مقایسه ی انواع ایکات می توان به شباهت ها و تفاوت های آن ها پی برد. از این مطالعه علاوه بر آشنایی با روش های تولید، می توان پی برد که چگونه ایکات هند با کاربردهایی مختلف و با وجود تشابه در تولید، تفاوت های گاه چشم گیری را نشان می دهد و چنین شباهت و تفاوتی از کجا منشأ گرفته است.

در این پژوهش، با بررسی اسناد و پارچه های موجود، ضمن مطالعه ی تکنیک های ایکات، کاربرد، مراکز تولید و بافندگان، به تأثیر جنس، طرح و رنگ در آفرینش این پارچه نیز پرداخته و نمونه هایی برای هر تکنیک معرفی شده است تا به درک عمیق تر ارتباط پارچه و عوامل نهفته در آن کمک شایانی باشد. بدیهی است که امکان دسترسی به همه ی نمونه ها و انواع وجود ندارد و نمونه هایی که گویاتر بوده و از کیفیت تصویری مناسب تر و اطلاعات دقیق تری برخوردار بوده انتخاب شده اند. عدم وجود منابع فارسی کافی و انجام شدن بخش عمده ای از مطالعات پیشین به زبان انگلیسی و دیگر زبان ها، از محدودیت و دشواری های انجام پژوهش حاضر است.

#### ۴- پیشینه ی پژوهش

تحقیقات پراکنده چون مطالعه ی جرویس کلارنس-اسمیت، کم تر بر نوع ایکات و اثرپذیری ها تمرکز کرده و معمولاً بر همه ی انواع پارچه های هند متمرکز شده است. افرادی چون اسونک نان و ای. جی، مفصلاً به پارچه های اندونزیایی پرداخته اند که به طریقی به ایکات هند مربوط می شود. به طور کلی در مورد اکثر انواع ایکات بسیار کم تحقیق شده و مهجور مانده است. در مقاله ی خود، بیش تر بر جنبه های کاربردی و تاریخی ایکات پرداخته و گذری نیز بر ریشه یابی و منشأ تعدادی نقوش داشته است، اما اشاره ای به دسته بندی و ارائه ی وجوه تشابه یا تفاوت ندارد. مقاله ی "بررسی تطبیقی نقوش منسوجات هندی گورکانی با منسوجات صفوی" فریده طالب پور نیز فقط به دوره ی خاص از پارچه بافی هند، یعنی گورکانی اختصاص دارد. هم چنین دت در رساله ی دکتری خود، تنها به روش بندانی میان همه ی روش های گره زدن و رنگ کردن پرداخته است. ساندرز در مقاله ی ۲۰۱۲ خود در مورد نوع پاتولا و ون استریک کلاً از پارچه های لائو گفته است که جزئی بوده و تنها بخشی از مطالعه ی حاضر است. انجمن پارچه ی آمریکا، بررسی سودمندی بر ایکات قبیله ای تا مدرن هند و لائو کرده که شایان توجه اما گذرا و موردیست و طبقه بندی خاصی در آن وجود ندارد. در این منابع، از عوامل تأثیرگذار در پیدایش ایکات سخن نرفته و یا به طور پراکنده و مقطعی بررسی شده است. در این میان، کتاب "منسوجات سنتی هند" از طالب پور و نیز کتاب های نویسندگانی چون کریل، گیلو و دسی در مورد پارچه های سنتی و ایکات هند، از نمونه های جامع بحث ایکات است، اما به نظر می رسد می توانست بیش تر به زیرشاخه ها و انواع فرعی پرداخته و کامل تر باشد. این مقاله با به کارگیری این کتب و دیگر منابع، سعی در معرفی نمونه های ادوار مختلف با هدف ارائه ی چند

دسته بندی کلی جامع تر و منظم تر در جهت درک راحت تر و پی بردن به شباهات و تفاوت های حاصل از روابط و اثرپذیری منطقه ای، تکنیکی، جهان بینی و ذهنی داشته است.

#### ۵- ایکات در هند

##### ۱-۵- پاتولای گجرات (Patola of Gujarat)

قرن ها پاتان (پایتخت باستانی گجرات: Patan) مرکز تولید ساری پاتولا (لباس زنان هند (Sari) بود. تکنیک آن ایکات دوگانه و به این صورت است که نخ تار نیز مانند نخ پود رنگرزی می شود. پاتولای پاتان، قدمت ۱۲۰۰ ساله دارد. (7; 2013, *Paramparik Karigar*)

یکی از موتیف های باتیک اندونزیایی به نام *Jelamprang* نیز از موتیف های پاتولا الهام گرفته است که ممکن است در آثار ایکات اندونزیایی دیده شود. (Rajabi Tanha & Amad, 2013; 116) بافندگان موروثی پاتولا در پاتان، سالویس ها (*Salvis*) و اصولاً برهما-بودایی (*Jains*) هستند، اما ممکن است به اجتماع هندوها (*Hindus*) نیز تعلق داشته باشند که در قرن دهم میلادی، از جنوب هند به گجرات آورده شدند. این پارچه های ابریشمین، عمدتاً به عنوان ساری بافته می شوند و زنان هندو و مسلمان *Vohra* آن ها را در مراسم اجتماعی و مذهبی می پوشند. در چند دهه ی اخیر، ساری های ایکات تکرو (ایکات تاری یا پودی) (*Single Ikat*) در راجکوت (*Rajkot*) در حال تهیه شدن هستند که در روستاهای همجوار گجرات است. آن ها طرح های مشابه، مانند طرح های پاتولا را به کار می برند، ولی به شکل ایکات های تکرو تهیه می شوند؛ در نتیجه هزینه و زمان تهیه را کاهش می دهند که به طور محلی پاتولای راجکوت (*Rajkot Patola*) نامیده می شوند (9; 2010, *Textile Society of America*) پاتولا از واژه ی سانسکریت *Pattakula* به معنای "پارچه ی ابریشمین" پدید آمده است. (*Yulo*, 2015; 24) نیز از واژه ی پاتو (*Pattu*) گرفته شده که به معنای "ابریشم یا پارچه" است (طالب پور، ۱۳۹۱؛ ۱۰۶) و در ادبیات گجرات، در قرن دوازدهم میلادی ظاهر شد. مدت ها پاتولا به خاطر رنگ و ساخت بی نظیرش معروف بود و شهرت و تأثیر آن به نقاط جنوب شرق آسیا، یعنی جایی که صادر شده بود، منتشر گشت. (12; 2012, *Saunders*)

##### ۵-۱-۱- انواع طرح و رنگ در پاتولا:

بولر (*Bühler*)، حداقل از ۵۰ الگوی سنتی پاتولا سخن گفته، اما دو طرح آن رایج تر است؛ اولی نوعی موتیف فیلی که مخصوص صادرات بود و دومی نوعی گل هشت شعاعی به نام *Chaabadi Bhat* یا سبد گل که غالباً در لباس های محلی دیده می شد. امروزه بسیاری از لباس

هایی که به طور محلی از ایکات تار تزیین می شوند، کاربردهایی نظیر لباس، تشریفات مذهبی، تبادل هدیه و بازرگانی دارند که هنوز دربردارنده ی موتیف های پاتولا هستند. (Saunders, 2012; 13) تصویر ۱، نمونه ای از ایکات دوگانه ی پاتولا با تصاویر فیل، طوطی و دختران رقصنده و گل ها در شبکه ای الماسی شکل است که در آن از پود فلزی طلا استفاده شده است. (Simcox, 2007; 20) با توجه به نمونه ها، رنگ های پاتولا عمدتاً قرمز، زرد، سبز، سفید و قهوه ای شاه بلوطی و طرح آن برگ، ستاره، موتیف های فیگوراتیو و شبکه های ضخیم با اشکال هندسی است.



تصویر ۱- ساری ابریشمین پاتولا، گجرات هند، اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ میلادی، عرض: ۱۵۴ اینچ و ارتفاع ۵۲ اینچ. (همان جا)

۵-۱-۲- مراکز تهیه ی پاتولا در جهان:

گجرات در هند غربی، تنگانان (Tenganan) در غرب بالی در اندونزی و جزایر ریوکو (Ryuku Islands) در ژاپن، تنها مراکزی هستند که پاتولا در آن ها یافت می شود (Saunders, 2012; 12).

۵-۲- بانداسِ اوریسا (Bandhas of Orissa):

واژه ی Bandha از سانسکریت و به معنای گره زدن و بستن است. (Hacker, 2004; 116) باندانی (Bandhani) لغت گجراتی برای روش رنگرزی گره ای است که هم به روش تولید و هم به خود پارچه اطلاق می شود. باندانا (Bandhana) و بانداج (Bandhej) واژه هایی از زبان سانسکریت به معنای "گره زدن" هستند. در این روش قبل از رنگرزی، قسمت هایی از پارچه گره



زده می شود که در این صورت پس از رنگرزی اشکال دایره ای روی پارچه پدید می آید و در نتیجه، پارچه طرح نقطه دار ساده دارد. قیمت آن با افزایش تعداد گره های ظریف در پارچه افزایش می یابد و در تهیه ی آن از پارچه های نازک ابریشمی یا پنبه ای استفاده می شود که امروزه شامل پارچه های مَلَمَل (پنبه ی نازک)، ژورژت (ابریشم شُل باف) و ابریشم مصنوعی (ویسکوز ریون) است. این روش در ژاپن به نام شیباری (Shibari) شناخته می شود (طالب پور، ۱۳۹۱؛ ۱۱۱-۱۰۹). قدمت بَدانی و تکنیک های بستن و رنگ کردن، به دوران پیش از تاریخ می رسد (Datt, 2011; 3). با بررسی این پارچه ها، مشاهده می شود که فرم ها سنجیده و لبه ها لطیف و نامشخص هستند.

#### ۵-۲-۱- انواع طرح و رنگ در بانداس:

منسوجات سنتی هندی اغلب ساده و بی نقش و به دلیل به کارگیری شیوه هایی هم چون ایکات و بَدانی دارای نقوش نواری، راه راه، جناغی و خال دار بودند. (خلیل زاده مقدم و صادق پور فیروزآباد، ۱۳۹۱؛ ۲۷) تکنیک ایکات اوریسا (ایالتی در هند: Orissa) به عنوان بانداس (Bandhas) شناخته شده است که ظاهری مشخص و خطوط منحنی دارد. بافندگان نیز از دسته ی سالویس (Salvis)، Bhulia Meher و گاندیا-پاترا (Gandia-Patra) هستند. اجتماع بافندگان Meher از باراگار (Baragarh) و سونپور (Sonepur) با پنبه و توسار (ابریشم وحشی: Tussar) پارچه می بافند. ویژگی این پارچه ها این است که تکنیک ایکات با نوارهای زربفت در امتداد طول حواشی ساری، در انتهای پارچه و گهگاه در زمینه ترکیب می شود. نقوش این پارچه ها گسترده و متنوع است: ماهی، پرنده، فیل، گوزن، آردک، لاک پشت، صدف، فانوس، ستاره، شبکه، موتیف های تاس، فرم های معمارانه و موج. تعداد زیادی ردیف های ترکیبی و متنوع گل دار، هندسی و فرم های فیگوراتیو هم وجود دارد که به وسیله ی نوارهای زربفت از هم جدا می شوند (Textile Society of America, 2010; 9). کاربرد مواد، بسته به کاربرد پارچه متفاوت است. (Ranjans, 2007; 86). رنگ های بَدانی شامل: قرمز (نماد ازدواج)، زعفرانی (لباس مرتاضان هند)، زرد (بهار)، سیاه و قهوه ای شاه بلوطی (کاربرد در صبح) است (Datt, 2011; 6). تصویر ۲ نمونه ای از بَدانی است.

#### ۵-۲-۲- مراکز تهیه ی بانداس:

در هر دو ایالت راجستان و گجرات هند بَدانی تهیه می شود. بَدانی راجستانی از همتای گجراتی خود ممکن است به خاطر کاربرد نقاط درشت و حلقه های متحدالمرکز رنگارنگ متفاوت

باشد (Ranjans, 2007 ;86).



تصویر ۲- پارچه ی بندانی اثر Naushad Khatri (Paramparik Karigar, 2013 ;3).

۵-۳- ایکات های اندرا پرادش (Ikats of Andhra Pradesh):

در اندرا پرادش (ایالتی در هند: Andhra Pradesh) نام مرکز یا روستای تولید گاهی به عنوان نوعی نام برّند عمل می کند که به آن خاطر است که این محصول در جای دیگری تولید نمی شود. (Mooji, 2012, 10) شهرت جهانی اندرا پرادش به دلیل ساری های ابریشمین دست باف نفیسه است که بسیاری از نویسندگان را پس از دیدن و تعامل با بافندگان بر آن داشته که پیرامون ابعاد مختلف بافت آن بحث کنند. (G. Savithri, P. Sujathamma, Tripura Sundari, B. Chandana Kumar, 2014; 418) ایکات های این منطقه به نام پاگدو باندو (Pagdu bandhu, بوداواسی (Buddavaasi)، تلیا رومالس (Telia Rumals) و چیتکی (Chitki) شناخته می شوند. بافت ایکات در این ناحیه، در اوایل قرن نوزده میلادی مرسوم شد. بافندگان اندرا پرادش بیش تر در کارشان تجربی هستند. آن ها مدّعی اند که از سُرَاشترا (Saurashtra) گجرات در اوایل قرن بیستم میلادی مهاجرت کرده و در چیرالا (Chirala) سکونت گزیدند و در آن جا رومال های (Rumals) کتان ایکات دوگانه (قطعات پارچه ی مربعی ۳۶ × ۳۶ اینچ (Inch)) در طرح های ساده ی هندسی تهیّه کردند که تلیا رومال از چیرالا نامیده شد. ایکات تهیّه شده در پوچامپالی (Pochampalli) که شهری در هند و در مجاورت اندراپرادش و کارناتاکا (Karnataka) است، اغلب شدیداً متأثر از طرح های پاتولا می باشد که به نام پاتولای پوچامپالی (Pochampalli Patola) شناخته می شود (Textile Society of America, 2010; 9). روش تهیّه، همان روش تهیّه ی ایکات است؛ با این تفاوت که در تهیّه ی تلیا رومال از آلزارین و خواباندن نخ در روغن، قلیایی و سرگین گوسفند استفاده می شود. عیب این پارچه، بوی بد روغن به جا مانده روی آن و عدم ثبات رنگ است که در زمان شست و شو رنگ می دهد. (طالب پور،

۱۳۹۱:۱۰۳ و ۱۰۲). بافت ایکات شامل هجده مرحله متوالی از گره زدن و رنگ کردن است. بافندگان پوچامپالی فقط با ایکات تاری شروع کردند و تنها کمی بعد به ایکات دوگانه روی آورند. چون طرح در هر دو روی پارچه به طور مشابه ظاهر می شود، این نوع ایکات متمایز است. (G. Savithri, P. Sujathamma, Tripura Sundari, B. Chandana Kumar, 2014; 419 & 420)



تصویر ۳- ایکات تلیا رومال (Crill, 1998)

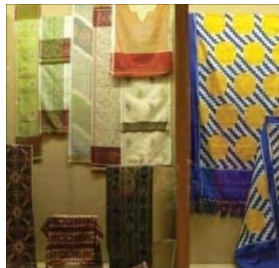
### ۵-۳-۱- انواع طرح و رنگ در ایکات اندرا پرادش:

همان گونه که در تصویر ۳ مشاهده می شود، ساختار اصلی ایکات اندرا پرادش از یک قطر محکم یا توری مربعی تشکیل شده است که دارای انواعی از فرم های هندسی گُل دار و یا به ندرت متشکل از نفوش فیگوراتیو است. چنین شکلی، مرکزی را تشکیل می دهد که همواره حاشیه ای قرمز، معمولاً با عرض ۸ اینچ آن را فراگرفته و رنگ سراسری آن هم سفید، سیاه و قرمز است. ۵-۳-۲- مراکز تهیه ی ایکات:

با آن که در همه ی مناطق اندرا پرادش بافندگی وجود دارد، بیش تر بافت ها در مناطق روستایی انجام می شود. محصول صادراتی نیز ایکات آن است که شهرت جهانی دارد. دو ناحیه در ایالت اندرا پرادش یعنی پوچامپالی در نزدیکی حیدرآباد (Hyderabad) و چیرالا، ایکات تولید می کنند. عمدتاً ایکات در ناحیه ی نالگوندا (Nalgonda) در تلنگانا (Telengana) و محصولات بسیار گران قیمت در نقاطی چون ونکاتاجیری در نلور (Venkatagiri (Nellore District) ساخته می شود که با نخ هایی از طلای واقعی بافته شده در ابریشم تولید می شود. (Mooji, 2012, 10)

### ۵-۳-۳- هنرمندان معاصر (Contemporary):

بر طبق گفته ی انجمن پارچه ی آمریکا، خانم وندی ویس (Wendy Weiss) از هنرمندانی است که از طرح ایکات استفاده می کند و ایکات دوگانه ی تصویر ۴ از جمله کارهای ایشان است.



تصویر ۴- سمت چپ: ایکات تک رو، سمت راست: ایکات دوگانه، طراحی از Wendy Weiss  
(Textile Society of America, 2010; 6)

#### ۵-۴- ایکات های لائو (The Lao Ikats):

لائو (Lao) سرزمینی در جنوب شرقی آسیاست که کشورهای برمه (Burma)، تایلند (Thailand)، کامبوج (Cambodia)، ویتنام (Vietnam) و یونان (Yunnan) آن را احاطه کرده اند. این کشور به ویژه در قلمروی پارچه غنی است و ایکات آن با تکنیک رنگرزی مقاوم از آن جمله است (Van Esterik, 1999; 47). استفاده از رنگ های شیمیایی و پیشرفت در رنگ های طبیعی باعث دگرگونی ترکیب رنگ های پارچه های سنتی شده است. (S. McIntosh; 2002; 210) رنگ دانه های طبیعی از لاک، نیل، زعفران و قرمزی مایل به قهوه ای، سایه هایی غنی از قرمز، آبی، زرد، نارنجی و بسیاری رنگ های دیگر را تولید می کنند. (Van Esterik, 1999; 47) رنگ های طبیعی، جدای از رنگ مرئی اصلی که حکم آبی و قرمز و غیره را برای ما دارد، نور را از همه ی بخش های طیف مرئی جذب می کنند (Dhingr, 2009; 6).

#### ۵-۴-۱- انواع طرح و رنگ در ایکات لائو:

لائو-تای ها (The Lao-Tai) انیمیسست هایی (روح باوری: Animist) با عقیده ای قوی بر عالم آخرت و ارواحی هستند که در محیط طبیعی اقامت دارند. نقوش پارچه هایشان منعکس کننده ی فرهنگ های پیشین، بودیسم یا عقاید انیمیسیم، افسانه ها و تکرارهای فرهنگی است. موتیف های خاص ارواح اجداد، شامل Sihos, Nagas و دیگر موجودات اساطیری، از حماسه های سنتی لائو (Lao)، همراه با نمادهای طبیعت هستند. دامن های لوله ای و لباس های جناحی، طرح های ایکات هستند که در زندگی روزانه به منظور محافظت و در مراسم، برای شفا، آرامش و صلح یا احترام به ارواح مختلف به کار رفته اند؛ آشکالی چون الماس و فانوس در لباس های جناحی یا البسه ی مراسم تدفین که ممکن است یک ظرف بصری برای دیگر موتیف ها باشند.

تصویر خرچنگ به عنوان مرادی برای محصول وافر و مار نماد حاصلخیزی است که وابسته به عالم اموات می باشد. (Textile Society of America, 2010; 10).

۵-۴-۲- مراکز تولید ایکات:

خاستگاه آن ها می تواند به یونان (نواحی جنوب غربی چین) برگردد. (Ibid) در لائوس جنوبی، الگوهای خاص ایکات بافته می شود (Rakow, 1992; 21).

۵-۵- لهریا (Leheria)

در زبان هندو لهریا به معنای "موج" و گرفته شده از واژه ی لهریا (Lehera) است که با روش رنگرزی مقاوم تولید شده و معمولاً در تهیه ی آن از پارچه های ململ، ابریشمی یا پنبه ای استفاده می شود، زیرا پارچه باید نازک باشد تا رنگ بتواند به خوبی در پارچه ی لوله شده نفوذ کند. (Gillow, 1999; 93). این پارچه در فصل بارندگی استفاده ی بیش تری دارد (Askari, 1999; 65).

لهریا تکنیکی است که راه راه های زیگزاگ یا مورب رنگارنگ در عرض پارچه با لوله کردن، گره زدن و رنگرزی آن می آفریند (Ranjans, 2007; 86). نواحی گره زده شده رنگ نشده باقی می ماند، ولی نواحی گره نزده رنگ می شود. پس از اولین رنگرزی، در صورت نیاز به ایجاد راه های رنگارنگ، تعدادی از نواحی بسته شده باز می گردد، اما بقیه ی نواحی همان طور که بوده باقی می ماند و سپس نواحی جدیدی را گره می زنند.

آن گاه قسمتی از آن پارچه و یا تمامی آن مجدداً رنگ می شود. وقتی رنگرزی در یک جهت پارچه انجام شد، می تواند راه هایی در جهت مخالف اضافه شود. برای چنین امری باید پارچه باز شود و از گوشه ی دیگری مجدداً تا خورد و روش گره زنی و رنگرزی ادامه یابد تا طرحی چهارخانه ایجاد شود. در چنین روشی، پارچه در حالی که خیس است، گره زده می شود (طالب پور، ۱۳۹۱؛ ۱۱۳ و ۱۱۴).

۵-۵-۱- انواع طرح و رنگ در لهریا:

پارچه ی پنج رنگ (Panchrang) برای اعیاد و بانندی (Bundi) با طرح دایره های کوچک و موترو (Mothro) طرحی با مربع های کوچک، برای سایر مراسم استفاده می شود (همان). تصویر ۵، پارچه ی لهریا (یا Lehariya) با راه راه های زرد و قرمز بر زمینه ی سفید را نشان می دهد.

۵-۵-۲- مرکز تولید لهریا:

تکنیک لهریا خاص راجستان است.



تصویر ۵- پارچه ی لهریا از مجموعه ای خصوصی (Ranjans, 2007; 86)

#### ۶-۵- مَشرو (Mashru)

اعتقاد برخی بر این است که ریشه ی این واژه از کلمه ی سانسکریت میزرو (Misru) گرفته شده که به معنای "مخلوط شده" (Mixed) است. این پارچه با طرح ساتن (Satin) بافته می شود تا هنگام پوشیده شدن، پود پنبه ای داخل و ابریشم روی سطح پارچه قرار بگیرد و بنابراین سطح آن درخشان است. (Desaei, 1988; 10) حالت درخشان، پس از کوبیدن پارچه ی بافته شده با چکش های چوبی و از پشت به دست می آید تا تارهای ابریشمی روی سطح پارچه صاف قرار بگیرند. (Crill, 1998; 131) قبلاً برای تولید مشرو، بخشی از نخ های تار از طریق روش مقاوم رنگرزی و پس از آن گره ها باز می شد. آن گاه نخ ها روی دستگاه بافندگی قرار می گرفتند و هنگام بافتن، شکل موجی یا پیکانی ایجاد می شد. برخی مشروهای جدیدتر، دارای طرح هایی با روش گره زنی هستند که به شکل راه راه در جهت تار بافته شده است. در بیش تر مشروهای هندی، هر نخ تار روی شش نخ پود را می پوشانید. مشرو و به عنوان بلوز، دامن، پیژاما و نوار تزئین لبه ی لباس به کار می رود. (Gillow, 1999; 94) در مشرو، قسمت هایی از نخ های تار که دارای طرح رنگی می باشد، در ابتدای تارکشی به طور کامل کشیده می شود تا هنگام بافت، طرح مورب یا پیکانی ایجاد نماید. قبل از بافتن هر بخش، ایکات طوری می تواند تنظیم بشود که طرح سرپیکانی تولید نماید، ولی در طرح خنجری، اشکال موج ماندی ایجاد می گردد که نیاز به مهارت زیاد شخص بافنده دارد. (Desaei, 1988; 56) در برخی منابع آمده است که مشرو نوعی پارچه ی "زربفت" درون پنبه ای و با ظاهر ابریشم است. یکی از دیدگاه های مطرح شده این است که حکمرانان موروئی Nizams در حیدرآباد، اندکی از بافندگان مشرو را در آن جا تشویق کردند و همین امر موجب توسعه ی تکنیک های ایکات شد. (G. Savithri, P. Sujathamma, Tripura Sundari, B. Chandana Kumar, 2014; 419 & 420)

۵-۶-۱- انواع طرح و رنگ در مشرو:

طرح مشرو راه راه یا پیکانی و موجی است و با پهناهای مختلف و در رنگ های روشن بافته می شود. (Gillow, 1999; 94)

۵-۶-۲- مراکز تهیّه مشرو در جهان:

دو مرکز تهیّه ی این پارچه، شهرهای پاتن و مندوی می باشد. (Ibid) ایکات تاری در سوریه و ترکیه، مشرو نامیده می شود. (Yulo, 2015; 27) تصویر ۶، نمونه ای از این پارچه است.



تصویر ۶- پارچه ی مشرو، گجرات هند، قرن ۱۸ میلادی (Wilson, 2011; 6)

۵-۷- گول بدَن (Gulbadan)

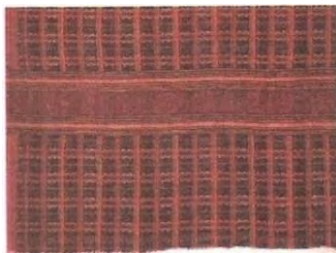
گول بدَن نوعی بافت ساده ی پارچه ی ابریشمی با کمی درخشندگی و زرق و برق است که با دستگاه های بافندگی دستی تولید می شود. (G. Tortora, Johnson, 1392; 275) روش تهیّه ی گول بدَن شبیه مشرو است که در آن بخش هایی از تار گره زده و رنگریزی می شود. (Watt, 1987; 256) بر روی دستگاه بافندگی، نخ پود دوم از جنس طلا (یا نقره)، نقوشی طلایی در نخ های ابریشمین زمینه به وجود می آورد و با رنگ های جواهرمانند در سرتاسر تار پخش می شود. (Keshavrao, 2009, <http://www.tribuneindia.com>) این پارچه، مخلوط پنبه و ابریشم می باشد که مثل مشرو، دارای طرح ایکات خنجری است، اما در تهیّه ی چنین پارچه ای گاه نخ گلابتون هم کاربرد دارد. (Crill, 1998; 143) مشرو برای شست و شو ساخته شده است، درخشش آن از بین نمی رود و بیش تر مورد پسند هندوهای ثروتمند می باشد. (Watt, 1987; 300)

۵-۷-۱- انواع طرح و رنگ در گول بدَن:

این نوع پارچه، اغلب به رنگ های سبز کم رنگ با راه راه قرمز مایل به زرد، سبز تیره با قرمز مایل به زرد، زرد با قرمز مایل به زرد یا قرمز سیر، بنفش با زرد، سفید با قرمز سیر و دیگر ترکیب ها است. (Ibid) طرح گول بدَن نیز معمولاً خنجری و راه راه می باشد.

## ۵-۷-۲- مراکز تهیه ی گول بدن:

در واراناسی هند، پارچه ی ابریشم زری با نام گول بدن (بدن گل زر) تولید می شود که رنگ قرمز دارد (Crill, 1998; 143). (تصویر ۷) در پنجاب (Punjab)، تولید آن به منظور مصرف پیشااما برای بومیان ثروتمند است (G. Tortora, Johnson, 1392; 275).



تصویر ۷- پارچه ی گول بدن (طالب پور، ۱۳۹۱؛ ۱۸۲)

گول بدن های تولید شده در بنگال غربی (Bengal) در هند، تنوع فرهنگ هندی را منعکس می کند. (G. Savithri, P. Sujathamma, Tripura Sundari, B. Chandana Kumar, 2014; 418) قبلاً این پارچه در سند پاکستان (Sindh) بافته می شد، اما امروزه فقط مرکز تولیدکننده اش مولتان (Multan) در پاکستان است و مورد استفاده ی آن برای تهیه ی شلوار و دامن. (Crill, 1998; 17)

پارچه های هند، رنگارنگ، یکتا و چشم نوازند. لازم است در این جا به شباهت، تفاوت و کلاً عوامل تأثیرگذار بر آن ها به صورت مقایسه ای پرداخته شود. در جدول ۱ دسته بندی پارچه های هند با توجه به منشأ آفرینش، تکنیک، طرح، رنگ، کاربرد، جنس و مراکز تولید آمده است.

جدول ۱- عوامل تأثیرگذار بر پارچه های ایکات هند

نوع پارچه	منشأ آفرینش	طرح	رنگ	کاربرد	جنس	مرکز تولید
پاتولا	سانسکریت، ادبیات، بافندگان برهما-بودایی سالویس و اجتماع هندو	توری ضخیم با اشکال هندسی، گل دار و فیکوراتیو پیچیده، فیل، طوطی، عروسک های رقصان، سید گل، برگ و ستاره	قرمز سبز زرد سفید قهوه ای شاه بلوطی	ساری، مورد استفاده در مراسم اجتماعی و مذهبی توسط زنان هندو و مسلمانان و هرا	ابریشم گاه زر	پاتان (پایتخت باستانی گجرات)
بانداس اورینا (شبیاری)	سانسکریت و گجراتی بافندگان سالویس و گاندیا-باترا و Meher	طرح های نقطه ای، منحنی و دایره، ماهی، پرند، فیل، گوزن، لاک پشت، آردک، صدف، فانوس، ستاره، شبکه، تاس، فرم های معمارانه، موج	قرمز زرد سبز آبی بنفش قهوه ای سیاه	ساری	پنبه یا ابریشم نوار زر مملل ژورژت ابریشم مصنوعی	گجرات و راجستان



ایکات اندرا پرادش (پاگدو) بانندو، بوداواسی، تلیا رومالس (یا چیتکی)	بافندگان تجربی از سُرَاشراترا گجرات، رنگ و طرح پاتولا	قطری محکم یا توری مربعی با فرم هندسی گل دار یا به ندرت موتیف فیکوراتیو	قرمز سفید سیاه	ساری و رومال	پنبه و کتان ابریشم گاه زر	اندرا پرادش، پوچامپالی
ایکات لائو	فرهنگ پیشین، بودیسم، انیمیسیم، افسانه، حماسه، موجودات اساطیری، تکرارهای فرهنگی، نمادهای طبیعت	موتیف ارواح اجداد شامل ناگاس، سیهوس و موجودات اساطیری دیگر از حماسه های سنتی لائوس همراه نمادهای طبیعت، الماس، فانوس، خرچنگ و مار	رنگارنگ	دامن های لوله ای، لباس های جناحی و وسایل اولیه به منظور محافظت و در مراسم شفا، آرامش و صلح یا احترام به ارواح و نیز لباس مراسم تدفین	ابریشم	یونان (جنوب غربی چین)، لائوس جنوبی
لهریا	زبان هندو	راه راه اریب یا طرح چهارخانه	رنگارنگ	فصل بارندگی	ململ ابریشم پنبه	راجستان
مشرو	سانسکریت	راه راه با پهنای مختلف، خنجری یا پیکانی و موجی	رنگ های روشن	بلوز، دامن، پیژاما و نوار تزئین لبه ی آیسسه	پنبه ابریشم گاه زر	پاتن و مندوی
گول بدن (بدن گل زر)	نخ های گلابتون	خنجری	قرمز	شلوار و دامن پیژاما	پنبه ابریشم گلابتون	واراناسی، سبند، مولتان، بنگال غربی پنجاب

با توجه به توضیحات قبلی و نتایج به دست آمده از جدول ۱، مشاهده می شود که پارچه های مشرو و گول بدن، از لحاظ کاربرد و طرح شباهت دارند. ایکات های پوچامپالی متأثر از پاتولا از لحاظ طرح و رنگ می باشد. در تهیه ی هر دو پارچه ی باننداس اوریسنا و گول بدن از نخ های زری استفاده و توسط بافندگان سالویس بافته می شود و پاتولا، مشرو و ایکات اندرا پرادش نیز گاه زربفت است، ولی پارچه های اندرا پرادش، باننداس اوریسنا، لهریا، مشرو و گول بدن از لحاظ جنس (پنبه و ابریشم) شباهت دارند. پارچه های پاتولا، باننداس اوریسنا و اندرا پرادش از لحاظ طرح و کاربرد ساری شباهت هایی دارند، ولی ایکات پاتولا و اندرا پرادش از لحاظ نقوش مربعی و ایکات پاتولا و باننداس اوریسنا از نظر شکل موتیف ها به ویژه حیوانات، تا حدی مشابه اند. باننداس از لحاظ طرح های نقطه ای، لهریا از نظر طرح های خنجری و ایکات لائو از حیث موتیف های سنتی لائوس و اثرپذیری خاص از باورها شاخص است. پاتولا و باننداس و همه ی انواع نام برده شده از لحاظ کلی تکنیک رنگرزی تا حدودی مشابه دارند، ولی در جزئیات، مراحل، رنگ ها

و شیوه‌ها متفاوت هستند. همگی به شکل متوالی و با روندگره زدن و رنگ کردن پشت سر هم و با دقت پدید آمده‌اند و بسته به محل پیدایش و باورهای پدیدآورندگان در شکل‌های متفاوت و گاه مشابه خلق شده‌اند. این باورهای فرهنگی-اجتماعی و آیینی در مناطق مختلف متفاوت است.

#### نتیجه

در این تحقیق به این نتیجه رسیدیم که پارچه‌های مورد بررسی هندی، پارچه‌هایی بس نفیس‌اند که حاصل ذوق و تلاش هنرمندان خلاق هستند، اما هر پارچه، با وجود تشابهات زیاد، تکنیک خاصی برای پدید آوردن مرحله‌ای نقش دارد، مثلاً لهریا با رنگ کردن از دو گوشه‌ی متفاوت و در مراحل متوالی و به صورت خطی و بانداس اوریسّا با نقطه‌ای گره زدن نقش دار می‌گردد. با این وجود برخی از این پارچه‌ها از لحاظ طرح، رنگ، جنس و نوع نخ و حتی کاربرد شباهت‌هایی دارند که شباهت مشرو و گول بدن در طرح‌های خنجری پیکانی یا کاربرد زر در بانداس اوریسّا و گول بدن و گاهی ایکات اندرا پرادش، پاتولا و مشرو از آن جمله است. پارچه‌های هند که اصولاً ابریشمین و بسیار نفیس بوده و کاربرد ساری دارند، در مراسم تدفین و نیایش نیز استفاده می‌شده‌اند. غالب آن‌ها نیز رنگارنگ و متشکل از موتیف‌های ساده‌اند که در اثر پخش شدن و درهم رفتن رنگ‌ها و نیز گره زدن‌ها و باز کردن‌های متوالی پارچه پدید آمده و ایجاد تفاوت میان آن‌ها کرده است. با مقایسه‌ی پارچه‌ها هم چنین مشاهده می‌شود که پارچه‌های هند در بسیاری موارد بسیار متأثر از یکدیگر و دارای روابط ظاهری و باطنی هستند؛ چون اثر پاتولا بر ایکات‌های پوچامپالی از لحاظ طرح و رنگ یا تأثیر آیین‌ها و باورهای هر ناحیه بر هنر آن‌ها که دارای منشأ آفرینش مشابه چون هنرمندان سالویس بافنده‌ی پاتولا و بانداس هستند. نهایتاً به نظر می‌رسد منشأ آفرینش و مرکز تولید از مهم‌ترین عوامل در ایجاد شباهت و تفاوت و میان انواع ایکات و تکنیک‌هاست که به طور جامع و عام بر انواع نقوش اثر گذاشته و جنس یا کاربرد کم‌اهمیت‌تر و خاص بوده است؛ چرا که هنر ریشه در فرهنگ و باورهای هر منطقه دارد. تولید ایکات در هندوستان در زندگی پُرسرعت ماشینی امروز گرچه به سرعت و رونق گذشته‌ها نیست، اما همواره یکی از محصولات سنتی قابل توجه و مورد ستایش این کشور است که نیازمند پژوهش بیش‌تر بوده تا استفاده از آن در طراحی معاصر با آگاهی، ابداع و بررسی طرح‌های اصیل صورت گیرد.

## منابع

- ۱-لیل زاده مقلّم، مریم و صادق پور فیروزآباد، ابوالفضل، **بررسی تطبیقی نقوش پارچه های صفوی و گورکانی**، فصلنامه ی علمی-پژوهشی نگره، شماره ی ۲۱، صص ۳۷-۲۱، بهار ۱۳۹۱.
- ۲-شفیعی پور، نیره، **داراری بافی یزد رو به افول**، روزنامه ی فرهیختگان ایران زمین، شماره ی ۹۳۴، ص ۴، ۱۳۹۱.
- ۳-طالب پور، فریده، **مطالعه ی تطبیقی نقوش منسوجات هندی گورکانی با پارچه های صفوی**، فصلنامه ی علمی-پژوهشی نگره، شماره ی ۱۷، صص ۲۹-۱۵، بهار ۱۳۹۰.
- ۴-طالب پور، فریده، **منسوجات سنتی هند**، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا (س)، ۱۳۹۱.

- 5-Askari, Nasrin & Arthur, Liz, **Uncut Cloth**, London: Merrell Holborton Publishers, 1999.
- Barnes, Ruth, **The Bronze Weaver (A Recent Acquisition at the National Gallery of Australia)**, Ashmolean Museum, Oxford Asian Textile Group, Newsletter No. 37, 2007.
- 6-Bryan Souza, George, **The French Connection: Indian Cottons, Their Early Modern Technology and Diffusion**, USA: University of Texas, San Antonio, paper presented in XIV International Economic History Congress, Cotton Research Project, Session 59, Helsinki, 21-25 Aug 2006.
- 7-C. Yulo, Edward, **Awesome Austronesians (The Austronesian Origins of The-Dye (Ikat) Weaving)**, V. 4.0, 2015.
- 4-Cooper, Ilay & Gillow, John, **Arts And Crafts of India**, London: Thomas and Hudson Ltd, 1996.
- 8-Crill, Rosemary, **Indian Ikat Textiles**, New York: Weatherhill Inc, 1998.
- 9-Datt, Sunetra, **Evaluation of Bandhani Motifs and Processes of Rajasthan: From Past to Contemporary**, For registration to the degree of Doctor of Philosophy, THE IIS UNIVERSITY, JAIPUR, In the Faculty of Social Sciences, Department of Textiles, Dec 2011.
- 10-Desai, Chelna, **Ikat Textiles of India**, Sanfrancisco: Chronicle Books, 1988.
- 11-E. Jay, Sian, **Woven Indonesian Textile For The Home**, First Edition, CITA TENUN INDONESIA, 2012.
- 12-Dhingra, Sudha, **Textiles With a Healing Touch**, India: National Institute of Fashion Technology, 2009.
- 13-G. Savithri, P. Sujathamma, Tripura Sundari, B. Chandana Kumar, **Pochampally – An unique silk handloom cluster**, International Journal of Multidisciplinary Research and Development, 1(7), P 418-421, 2014.
- 14-G. Sweet, David, **Indigo in World History: Production, Distribution & Consumption**, retrieved 18 June 2012.
- 15-G. Tortora, Phyllis, Johnson, Ingrid, **The Fairchild Books Dictionary of Textiles**, 8<sup>th</sup> Edition, 1392.
- 16-Gervase Clarence-Smith, William, **Cotton textiles on the Indian Ocean periphery, c1500-c1850**, 2012.
- 17-Gervase Clarence-Smith, William, **Locally produced textiles on the Indian Ocean periphery 1500-1850: East Africa, the Middle East, and Southeast Asia**, paper presented at the 8<sup>th</sup> Global Economic History Network Conference, Pune, 18-20 Dec 2005.
- 18-Gillow, John & Barnard, Nichola, **Traditional Indian Textiles**, London: Thames and Hudson Ltd, 1999.

- 19-Hacker, Katherine, **Dressing Lord Jagannatha in Silk: Cloth, Clothes, and Status**, Copyrighted by Kamla-Raj, J. Soc. Sci., 8(2), P 113-127, 2004.
- 20-Mohapatra, Nihar, **A Management Approach to Sambalpuri Sari with a Sign of Cultural Facet**, Odisha Review, Ministry of Culture, P 130-136, 2014.
- 21-Mooji, Jos, **Welfare Policies and Politics: A Study of Three Government Interventions in Andhra Pradesh, India**, Working Paper 181, Overseas Development Institute, London, 2012.
- 22-Paramparik Karigar , An Association of Craftspersons, **Exhibition of Textiles**, Mumbai, 2013.
- 23-Rajabi Tanha, Mansoureh & Amad, Izmer, **Towards a Cross Cultural Design by Integrating Batik Motifs into the Persian Carpet Design**, International Journal of the Malay World and Civilisation (Iman) , P 111-123, 2013.
- 24-Rakow, Meg Regina, **Laos and Laotians**, Center of Southeast Asian Studies, School of Hawaiian, Asian and Pacific Affairs, University of Hawaii, Henry Luce Foundation , Inc, 1992.
- 25-Ranjan, Aditi, Ranjan, M P, **Handmade in India, Crafts of India**, National Institute of Design (NID), Ahmedabad, Council of Handicraft Development Corporations (COHANDS), New Delhi, Office of the Development Comissioner Handicrafts, Ministry of Textiles, Government of India, 1<sup>st</sup> Published in 2007.
- 26-Rodgers, Susan & Cumella, Robin, **Geringsing in Transition: A Balinese Textile on The Move**, Irls and B. Gerald Cantor art Gallery (ColleGe of the holy Cross) , 2011.
- 27-S. McIntosh, Linda, **From the Village House to the Urban Markets: The Evolution of Silk Production in Lao**, P 205-211, 2002.
- 28-Saunders, Kim Jane, **The Voyage of the Flowering Basket Traditional Indian (Patola Motifs in Contemporary Southeast Asia)**, P 12-13, 2012.
- 29-Simcox, Jacqueline, **Chinese, Indian & Southeast Asian Textiles**, Jacqueline Simcox Ltd, London, 2007.
- 30-Swannack-Nunn, Susan, **Indonesian Textiles (A Selected and Annotated Bibliography)**, The Island Gallery, 2002.
- 31-Textile Society of America, **Color and Pattern: Tribal and Contemporary Ikats of India and Laos**, Concurrent Exhibitions, paper 74, Concurrent Exhibitions and Lentz Center for Asian Culture, University of Nebraska, Lincoln, P 4-7, 9, 10, 2010.
- 32-Van Esterik, Penny, **Fabricating National Identity: Textiles in Lao PDR**, Museum Anthropology, Vo. 23, No. 1, American Anthropological Association, P 47-55, 1999.
- 33-Watt, George, **Indian Art at Delhi 1903**, Motilal Banarsidass, India Firs Published 1903; Reprinted 1987.
- 34-Wilson, Anne, **Wind, Rewind, Weave**, Knoxville Museum of Art, 2011.
- 35-Dame. Kerry Ann, **Ikat Fabrics, Ancient And Modern**, Posh Interior Design, <http://poshsurfside.com/ikat-fabrics-ancient-and-modern>, Last Access: 05/10/2014.
- 36-Keshavroa, Dhanvati, **Brocade Making Waves**, <http://www.tribuneindia.com/2009/20090215/spectrum/main3.htm>, 2009, Last Access 23/09/2015.